



# ۴۸۱

## دو شعر از : حسن هنرمندی

۱- **پیکار از دو سو** ( به نقل از : **گزیده ای از ادب فارسی** ، گردآورده : **علی اصغر خیره زاده** ، جلد دوم ، انتشارات زمان ، چاپ اول ، تهران ۱۳۵۲ ، صص ۸ = ۲۴۷ ) .

۲- **زمزمه هائی در کنار رود "سن"** ( به نقل از **فردوسی** ، شماره ۱۱۳۹ ، سال بیست و پنجم ، ۲۸ آبان ۱۳۵۲ ، ص ۴۱ ) .



... و این بار ، **حسن هنرمندی** ست که می رود - و آنهم چه رفتنی ! رفتن در " برنامه " کار هر يك از ماست . اما اینگونه رفتن ( در غربت و غریب و در تنهائی ترین تنهائی ها بودن و در فقر بزرگ مردن ) درد انگیز ست و قلب بیمارم را به شدت بدرد آورد - به ویژه آنکه ، خود ، رفتن عزیزی را در شرایط مشابه ، چندی پیش به چشم دیدم . او حتی غریبانه تر رفت و تابه امروز ، کسی یادی از او نکرد ( علیرغم آنکه زحمت های بسیاری در دنیای ادب و سیاست ایران کشیده بود ) .

در تارنمای **ایران امروز** ۲۱ شهریور ۱۳۸۱ ، در نوشته ای با عنوان " **دکتر حسن هنرمندی خود را کشت / گزارش يك مرگ** " ، **رحمان اسدیان** ، سنگ تمام را زده است و حق مطلب را بخوبی بیان کرده است . من در اینجا برای گرامیداشت یادش ، دو شعر از او را می آورم .

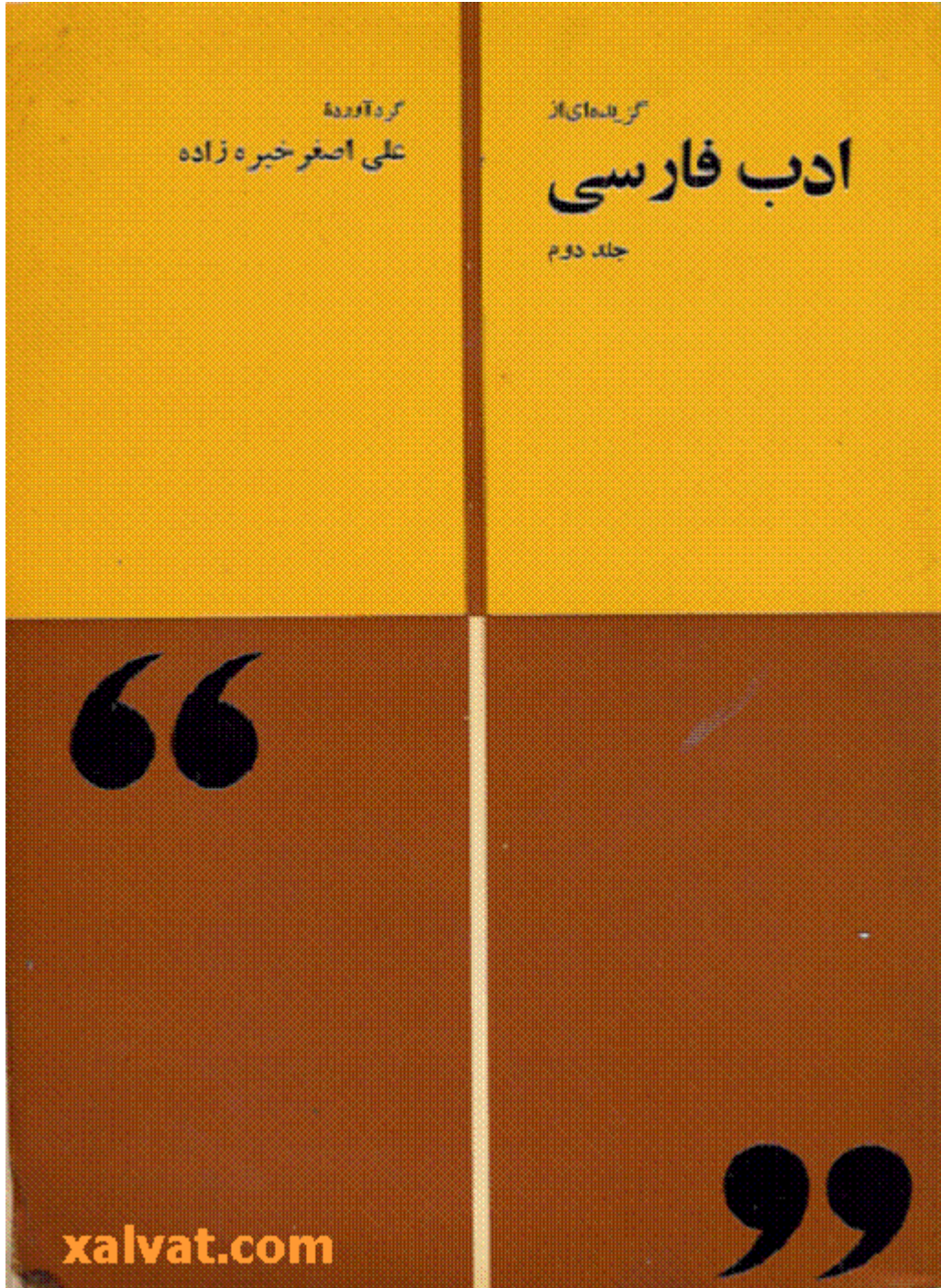
م . ایل بیگی



<http://xalvat.com>

[xalvat@xalvat.com](mailto:xalvat@xalvat.com)

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran>





## پیکار از دوسو

تیغم بدل شکسته، ولی از کدام خصم؟  
زخمم بجان نشسته ولی در کدام جنگ؟  
درمن غریو بی ثمری شعله می کشد.

xalvat.com

ما درنبرد خصم  
با دشنه‌ای نثین  
پیکار کرده‌ایم.  
ما را به کف جز این نی دشمن ستیز نه  
وان نیز ای دریغ  
لبریز عقده‌های فرومانده در گلو  
حتی شکایتی  
حتی حکایتی ز جدایی نمی‌کند.

اما در این فبرد  
تنها ز دشمنان  
ترسان نبوده‌ایم

با ما هراس دوست نمایان چربدست  
وینان، به ننگ روسبیاں مانده پای بست  
آگاه تر که مایه پیکار ما ز چیست  
در گرم گرم کشمکش هستی آز ما  
ناگاه از قفا  
با دشنه های آخته بر ما جهیده اند

xalvat.com

پیکار از دوسو  
دشوار حالتی ست

تیغم بدل شکسته ولی از کدام خصم؟  
زخمم به جان نشسته ولی در کدام جنگ؟

ما در نبرد بی ثمری جان سپرده ایم.

حسن هنرمندی

۴۱/۴/۱۹



www.xalvat.com  
در عظیم خلوت من  
www.xalvat.com

نشر دیجیتال

<http://xalvat.com>

[xalvat@xalvat.com](mailto:xalvat@xalvat.com)

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran>

# خرد و س...

شماره ۱۱۳۹ سال بیست و پنجم قیمت ۱۵ ریال



[xalvat.com](http://xalvat.com)

## طعمه‌ها...



xalvat.com

## غیبت شاعرانه

● مدتها بود که ازدکتر

حسن هنرمندی خبری نداشتیم تا این اواخر که بی خبر پیدایش شد و معلوم شد از تابستان سال گذشته تا کنون (بیش از یکسال در زادگاه «ژید» سر می برده و سرانجام پس از تحقیقات مفصل درباره تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات قرن بیستم فرانسه به ایران باز گشته است و تا چندی دیگر حاصل این تحقیقات را از او خواهیم خواند. دکتر هنرمندی می گوید این بار دامنه تأثیر ادبیات فارسی را در آثار نویسنده گان و شاعرانه برجسته ای نظیر «مون ترلان» و «آراگون» به تفصیل بررسی کرده ام و بدقت شان داده ام که مفهوم درست ادبیات تطبیقی برای کشوری نظیر ایران که حداقل هنر ارسال ادبیات زنده در اینده دارد یعنی چه؟ او در این زمینه حرفهای مفصل و تازه ای را عنوان می کند که امیدواریم حاصل آنرا بزودی در این صفحات منعکس بینیم.

فعالیت شاعرانه هنرمندی نیز جایی جداگانه دارد از شعر در قالبهای نیمایی و حتی غزل (برای اولین بار) و دوبیتی که هم اکنون نمونه هائی از آنرا میخوانیم؛

(نکته قابل تأمل

اینست که گرچه بیشتر دو بیتی ها لحن عاشقانه دارد معذک نارضائی شاعر از محیط غرب در آنها کاملاً محسوس است.)

### زمره هائی در کنار رود «سن» از دکتر حسن هنرمندی

۱  
لبت بود و هزاران بوسه تر  
لبم بود و سر و دستم آور  
دلیم بیزار شد از هر چه تکرار  
مگر زان لب؛ از آن قند مکر

۲  
چه آتوها که در تابم نمی برد  
چه توفانها به غرقابم نمی برد  
کجا می سوخت قلب بی گناهی  
که هر شب تا سحر خوابم نمی برد

۳  
گذشتم زان خیال سرکش خام  
فرو بستم لب از هر گونه پیغام  
ولی هر شب بگوشم مزده آید  
که از آن منی روزی سرانجام

۴  
توازم لذتی بی نام خواهی  
شب مهتاب و طرف بام خواهی  
در آن مهتاب شب بر بستری نرم  
بگویم یا نگویم؟ .. کام خواهی!

۵  
سینه چشم من ای زیبای دلخواه  
تو بامن همدلی من با تو همراء  
بیا با سفر بندیم از این شهر  
توره زای شناسی من زده از چاه